

# رؤیای خاموش

واکاوی مختصر مفهوم «صلح جهانی»

به انضمام سخنرانی‌های  
چند تن از برندگان جایزه صلح نوبل

تألیف، انتخاب و ترجمه:

دکتر محمد نعمانی



انتشارات آثار فکر

تهران- ۱۴۰۲

سرشناسه	: نعمانی، محمد، ۱۳۴۵-
عنوان و نام پدیدآور	: رویای خاموش؛ واکاوی مختصر مفهوم «صلح جهانی» به انضمام سخنرانی‌های چند تن از برندگان جایزه صلح نوبل / تالیف و گردآوری محمد نعمانی.
مشخصات نشر	: تهران: آثار فکر، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری	: ۲۱۶ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۷۲۳۲-۳۹-۱
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
عنوان دیگر	: واکاوی مختصر مفهوم «صلح جهانی» به انضمام سخنرانی‌های چند تن از برندگان جایزه صلح نوبل.
موضوع	: صلح Peace برندگان جایزه نوبل Nobel Prize winners
رده بندی کنگره	: ۵۵۲۸JZ
رده بندی دیویی	: ۳۳۷/۱۷۲
شماره کتابشناسی	: ۹۱۴۶۶۳۹

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

---

رؤیای خاموش

واکاوی مختصر مفهوم «صلح جهانی»

به انضمام سخنرانی‌های چند تن از برندگان جایزه صلح نوبل

تألیف، انتخاب و ترجمه: دکتر محمد نعمانی

ناشر: آثار فکر

چاپ: اول ۱۴۰۲

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۳۳۲-۳۹-۱



---

تهران، میدان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهید وحید نظری،

پلاک ۹۹، طبقه دوم تلفن: ۶ و ۶۶۹۶۷۳۵۵ / نمابر: ۶۶۴۸۰۸۸۲

---

همه حقوق برای مؤلف محفوظ است. قیمت ۱۱۵۰۰۰ تومان

"این کتاب با کاغذ حمایتی چاپ شده است."



## فهرست مطالب

---

کلام آغازین.....	۹
فصل ۱: واکاوی مختصر مفهوم « صلح » .....	۲۱
۱. جنگ و تعارض.....	۲۳
۱.۱. علل و انگیزه‌ها.....	۳۶
۱.۱.۱. عامل مادی و اقتصادی .....	۳۸
۱.۱.۲. عقاید ایدئولوژیک .....	۴۱
۱.۱.۳. ملیت‌گرایی .....	۴۳
۱.۱.۴. انتقام .....	۴۴
۱.۱.۵. جنگ داخلی .....	۴۵
۱.۱.۶. درگیری‌های انقلابی.....	۴۶
۱.۱.۷. جنگ دفاعی .....	۴۶
۱.۱.۸. جنگ پیشگیرانه .....	۴۷
۱.۲. نظریات جنگ .....	۴۹
۱.۲.۱. نظریات زیستی .....	۵۰
۱.۲.۲. نظریات روان‌شناختی .....	۵۱
۱.۲.۱. نظریات اجتماعی .....	۵۲
۲. صلح.....	۵۳
۲.۱. مفهوم صلح .....	۵۳
۲.۲. دو ساحت متعامل و متداخل صلح .....	۵۹
۲.۲.۱. ساحت درونی .....	۵۹
۲.۲.۲. ساحت بیرونی .....	۶۱
۲.۳. مطالعات صلح .....	۶۴

۲. ۴. نگاهی مختصر به تاریخ برخی از اقدامات صلح‌جویانه از دوران آلفرد بی .  
 ۶۷..... نوبل به بعد
- ۶۹..... بعد از جنگ جهانی اول
- ۷۱..... بعد از جنگ جهانی دوم
۲. ۵. صلح جهانی ..... ۸۲
- نکاتی برای شکوفایی و استمرار صلح جهانی ..... ۸۶
۲. ۶. فرهنگ‌سازی برای صلح ..... ۹۰
۲. ۶. ۱. استفاده از ظرفیت ذاتی مذهب و نظام‌های سالم معنوی ..... ۹۴
۲. ۶. ۲. چکیده‌ای از پیامدهای ایمان دینی و معنویت ..... ۱۰۲
۲. ۶. ۳. نمونه‌ای از اقسام فعال‌سازی ظرفیت مذهبی و معنوی در  
 جهت برقراری و تعمیم صلح ..... ۱۰۴
۲. ۷. تعلیم و تربیت صلح ..... ۱۰۴
۲. ۷. ۱. برخی از خصائص کلی نظام تعلیم و تربیت صلح ..... ۱۱۲
۲. ۷. ۱. ویژگی‌های معلمان و مربیان صلح ..... ۱۱۴
۲. ۷. ۳. گفتمان مثبت، ابزاری کارساز برای برقراری و تداوم صلح ..... ۱۱۸
۲. ۷. ۳. ۱. گفتگو ..... ۱۱۹
۲. ۷. ۳. ۲. گفتگوی صلح ..... ۱۲۲
۲. ۷. ۳. ۳. گزیده‌ای از اقداماتی که به گسترش و توانمندسازی  
 فرهنگ گفتگو کمک می‌کنند ..... ۱۲۳
- منابع پیش‌گفتار و فصل اول ..... ۱۲۵
- فصل ۲: سخنرانی‌های چند تن از برندگان جایزه صلح نوبل..... ۱۲۷**
- آلبرت شوایتزر ( فرانسه ) ..... ۱۲۹
- متن سخنرانی ..... ۱۳۱
- مارتین لوتر کینگ جونیور ( امریکا ) ..... ۱۵۰
- متن سخنرانی ..... ۱۵۲
- نلسون ماندلا ( افریقای جنوبی ) ..... ۱۷۳

- ۱۷۵ ..... متن سخنرانی
- ۱۸۰ ..... ابی احمد علی ( اٹیوپی )
- ۱۸۲ ..... متن سخنرانی
- ۱۹۱ ..... ماریا رسا ( فیلیپین )
- ۱۹۳ ..... متن سخنرانی
- ۲۰۴ ..... موراتوف ( روسیہ )
- ۲۰۶ ..... متن سخنرانی





## کلام آغازین

انسان‌های سالم دشمن آسودگی خود و آفت سلامتی یکدیگر نیستند و تنها می‌خواهند با امنیت، سلّم و صدق در کنار هم در محیطی آرام و مصفاّ زندگی کنند. دوست دارند بامدادان با فراغت و صحت، دیدگان‌شان



را گشوده، نغمهّ قناری ثناگوی صفا و چهچههّ موزون عندلیب آرامش را بشنوند و با قوّت و احساسی زیبا رشتهّ کار و فعالیت را در دست گیرند و آخر الامر شامگاهان با آسایش و رضایت سر بر بالین بگذارند.

والدین عاشق لذّت می‌برند که بازی اطفالشان را در بوستان‌ها و تفرّجگاه‌ها بدون هرگونه تهدید و خطر نظاره کنند؛ حقّی مسلم و جدایی‌ناپذیر که بازوی باشوکت حقیقت مانای هستی به آنها بخشیده و کسی یارای سلب، تضعیف یا تحریف آن را ندارد.

چه مفرّح و روح‌انگیزست دنیایی مطهّر از ننگ وجود نوکران خصومت و جویندگان شوکران خشونت؛ دنیایی که پیام‌آوران راستی و آشتی و رسولان عشق و درستی بر اریکهّ شکوه آن تکیه زنند و خلق را بر خوان سلطنت ابد و نور آمد نشانند و چه زیبا است جهانی بدون اسکندر، چنگیز، هیتلر، موسیلمانی و جلّادان و بیدادپیشگان متظاهر و خائنان نیرنگ‌ساز سابق، حاضر و لاحق در زمین که درس‌آموختگان کلاس تلبیس ابلیس اند و بر اسب اراده او سوار.

سکوت در برابر مسائل جدی زندگی ، نفی هویت انسانی ، سقوط ارکان عزت و اعلام توقّف آزادگی است . صلح هر چه باشد و هرکجا ، نشاط آور و دل‌انگیزست. ذوب‌شدن برف‌های وداد و فضیلت است در بستر دریای دلارام جان آدم و عالم . تاریخی است از آرزو و اشتیاق نسبت به متاعی ثمین و دفتری است آکنده از مجاهدتی وزین برای تجربه و احساس وجودی شمین . ریشه‌ای است که سرو تناور و ستبر زندگی را بارور می‌سازد، خونی است که در شریان عافیت و تندرستی خلق جریان می‌یابد و شاهد و شکری است که کام زندگی را حلاوت می‌بخشد .

دنیای امروز و فردا در خطر است و دریغ که از پگاه تا شام ، در خانه ، محل کار و هر جای دیگر، گوش و روان ما مدام آماج یورش تیرهای زهرآگین اخبار غم‌انگیز رسانه‌ها ( تلویزیون ، رادیو ، روزنامه‌ها ، فضای مجازی ، ... ) هستند . ظاهراً روزی را در این عصر جدید متظاهر و متوهم نباید به یاد داشت و گذراند خالی از اتفاقی وحشتناک ، جنایتی مهیب ، سانحه‌ای مرگبار ، بلایی عظیم و .... و درپی آنها ، غصه‌ها و قصه‌های سوگوارانه ، به‌هتزاز درآمدن علم‌های عزا و ....

گوش تاریخ پر شده است از ضجه‌های مظلومانی که سنگ ثقیل فلاکت را بر سینه دارند ، طوق واماندگی را بر گردن و جامه مظلومیت را بر تن .

### دیده بگشا

تا ببینی که چشم درمانده جهان حوض سیرشکی خونین شده از دیدن اینهمه قبور بی‌شماری که ساکنانینشان ، قربانی حماقت بردگان قدرت ،

اسیران نخوت و آز و غلامان حلقه‌بگوشِ ثروت و سیاست‌بازان مزور شده‌اند. آفت‌زدگانی که جلوۀ صلح را به سخره می‌گیرند ، ناقوس مرگ را برای طنین جان‌نواز فضیلتِ عدالت به صدا درآورده و خدای رأفت و مودت را مرده می‌خوانند .

بین که هیچ نسلی مانند نسل امروز شنوندهٔ اخبار بد و بینندهٔ اتفاقات ناگوار علی‌الادوام نبوده است . گویی این رویۀ تکراری و انزجاری را خاتمه‌ای نیست و می‌خواهد به ما بقبولاند که سرنوشت‌مان همین است و همین ... و ما محکومیم !

**" بنگر که رؤیای صلح در جهان هوس‌آلود امروز لحظه به لحظه خاموش‌تر و کم‌رنگ‌تر می‌شود "**

ترس و اضطراب دائمی و کلنجاررفتن مداوم با تنش‌ها و نازسازواری‌ها ( میان ثروت و فقر ، سلامتی و بیماری ، مصالحه و منازعه ، و ... ) ، طعنه و نقدی است بر دعاوی ترقی و پیشرفت دنیای متجددِ متخاصمِ با وجدان عالم ؛ جهان پُرمدعای فعلی با علم تحصّلی و فلسفۀ توهّمی خویش که تصوّر پایان تاریخ یا تاریخی فاقد غایتی متعالی را دارد ، رو به انسانیت‌زدایی فزاینده‌ای داشته و هر نکته‌بینِ مسئولی را نسبت به شرائط موجود خود حساس می‌کند . حقایق و کنش‌های انسانی در این دنیا گم شده و گرفتار تسلسل حیرانی و بی‌نظمی گردیده‌اند . پیوستاری بریده از مشیت جاودانی و نقشۀ کیهانی ، آینده و فراخود که در آن پیشانی بشر با علم و فن‌آوری به آسمان سائیده و پایش به ژرفای اقیانوس‌ها چسبیده ، اما زمین ، این منزلگاه قدیمی و همیشگی بشرِ غافل از ارزش‌های اضمحلال‌ناپذیر اخلاقی، فکری و معنوی را دود و آتشِ فتنه و

جنگ‌افروزی و خاکستر استیصال و نکبت پر کرده و آن را به توقف‌گاه متراکم انسان‌نماهایی حقیقت‌ناباور، وجدان‌ستیز و دیوخوا بدل گردانده است.

وضع ویرانه‌سرای درون و جان آدمی نیز از برونش بدتر است؛ جراحات‌خانه‌ای التیام‌نیافته و شلوغ‌خرابهٔ یاهوای از کرم‌های دغلبازی و کذب و تزویر، جولانگاه افعی‌های خیانت و جنایت و ظلمتکدهٔ خفاش‌های وُلَع و سلطه‌طلبی که در جوار شبکه‌های درهم‌تنیدهٔ عنکبوت‌های جهالت و ضلالت به زوایای سردِ شرارت خزیده‌اند.

از خود می‌پرسیم از چه رو تقدس، زیبایی، حکمت و نظم و قانونمندی حیات فراموش شده‌اند؟ به چه دلیل نشانه‌های بارز و مبسوط ارزش‌ها و آئین پویای انسانی را نمی‌بینیم؟ چرا دنیایی با این همه خشونت و تبهکاری؟ اینهمه وارونگی و انحطاط اخلاقی و تیره‌بختی از چه روست؟ به چه دلیل نمی‌توان شادمانه زیست، تابلوی زندگی را با آلوان رضایت و بشاشت، جمال و جلا داد و به رفاهی همه‌جانبه و پیشرفتی عادلانه اندیشید؟

تاریخ بشر آغشته با نظامی‌گری و آکنده از نزاع و عداوت است و امروز جهانی را مشاهده می‌کنیم هزار رنگ، در حال تجربهٔ تغییراتی معتنابه با حجم، عمق و آثاری بی‌پیشینه. جهان به سوی چندقطبی شدن و جهانی‌شدن اقتصادی، فرهنگی و سیاسی حرکت می‌کند. انقلاب فن‌آوری، دستاوردهای علمی، اقتصادهای نوظهور، تنوعات فکری، اخلاقی و فرهنگی و نفوذ عمیق تحرکات اطلاعاتی در دگرگونی‌ها در زمرهٔ واقعیات روزگار ماست. نمی‌توان تحول در چشم‌اندازهای بین‌المللی

و واقعیت وابستگی و پیوستگی میان ملت‌ها را نادیده گرفت یا ساده انگاشت. در چنین دنیایی، یا همه با هم از نردبان ترقی و خوشبختی بالا می‌رویم یا جملگی به گودال فلاکت و شقاوت سقوط می‌کنیم.

چالش‌ها و موانع جدی پیشرفت و نیک‌بختی در دنیای معاصر انکارناپذیرند. وضع بین‌الملل بی‌ثبات‌تر، نامطمئن‌تر و پیش‌بینی‌ناپذیرتر گشته و جهان در برهه‌ی تاریخی شتابنده‌ای از رویدادها گرفتار شده است. ذهنیت جنگ سرد، بازی‌های ژئوپلیتیک (جغرافیای سیاسی)، حکومت‌های سرکوبگر، هراس و نگرانی از فجایع هسته‌ای، یک‌جانبه‌گرایی و انتخاب‌های ناموزون هنوز تمدن بشری را تهدید می‌کنند. آشفته‌گی‌های منطقه‌ای، اختلافات سیاسی و عقیدتی، گسترش تروریسم و افراطی‌گرایی به مناطق جوار دنیا، بحران‌های اخلاقی و معنوی، بی‌حرمتی‌های نژادی، تغییرات آب و هوایی، جریان آوارگان و پناهجویان، مشکلاتی حل‌ناشده باقی مانده‌اند. فاصله بین کشورهای پیشرفته و عقب‌نگه‌داشته شده، نگرانی‌های جدیدی را برای درک صلح و توسعه هنجارهای اجتماعی و شناخت اصول اساسی مسئولیت ایجاد کرده است. عواقب مخرب و هول‌آور رخدادهای اقتصادی و شکاف توسعه حادث‌تر گشته و اینها همگی راوی چالش‌هایی امنیتی‌اند که پیچیده‌تر از همیشه بوده و گزینه‌های سیاست داخلی و خارجی دولت‌ها را متأثر می‌سازند.

محیط امنیتی بین‌الملل را ستیزگی و سیاست‌های سستی‌هنده فراگیری فراگرفته و رویکردهای آن در سیر دگرگونی‌هایی ژرف و ضروری غوطه می‌خورند. نظم ناعادلانه جهان، تولید



و تجارت گسترده جنگ‌افزارهای متنوع و پیشرفته، بالاگرفتن مستمر و باورناپذیر هزینه‌های تسلیحاتی و نرخ منازعات و جنایات به نقاطی بحرانی رسیده‌اند و بدسگالی و ژاژخایی سودطلبان از جنگ و

آشوب، تجاوز و اشغالگری، افزایش آسیب‌دیدگان درگیری‌ها (کشته‌ها و مجروحان، اسراء، آوارگان و پناهندگان، ...) و تلفات مادی و غیرمادی، همه گواهند که آهنگ زندگی دوران حاضر ناموزون است و کاروان جهان بیراهه را می‌پوید.

تندباد تلاطم‌انگیز فتنه و قساوت با نکبت تمام در حال شکستن شاخساران سبز درخت قداست حیات است و اخلاق جهان بیدام‌محور و پاسخ‌گریز امروز از منظر دانشوران مستقل و متفکران مُشْتَغَل در سودای حقیقت‌جویی، مشروعیتش را از دست داده و با عزم، مقاومت و انتظار جدی دلسوزان نیک‌اندیش برای تغییر و ایجاد فصل نوینی از دوستی و اعتماد متقابل روبروست.

«آلبرت اینشتین» می‌گفت که:

"انسان‌های بزرگ نسل‌های پیشین به اهمیت تأمین صلح واقف بودند، اما پیشرفت‌های فنی دوران ما این مفروضه اخلاقی را به موضوعی

وابسته به مرگ و زندگی برای بشر این روزگار تبدیل کرده‌اند ، و مشارکت فعال برای حل و فصل مسأله صلح را به تکلیفی اخلاقی مبدل ساخته که هیچ انسان هوشیاری نمی‌تواند از آن طفره برود " <sup>۱</sup> .

در صورت وقوع جنگی جهانی با حضور سلاح‌های ویرانگر موجود، کامیاب و کامیابی‌ای وجود نخواهد داشت زیرا امواج خروشان و سهمگین اقیانوس فاجعه همه را خواهد بلعید. پس نمی‌توان خاموش و بی‌تأمل نشست و ندانست که پدیده و آرمان « صلح » علی‌الخصوص در این زمانه، اولویتی است عاجل ، قاطع و غیرقابل گذشت ؛ تعقل است و تحرک نه آرزو، تقعد و توقع . حلقه‌ای است متصل به فکر ، روح و فعل خوب برای آبادی ملک خنده و شادی زندگی مشترک تابنده دنیا و شهروندان آن . پایبندی‌ای جهانی است به خردورزی مسئولانه ، باوری دوراندیشانه ، کرداری هوشمندانه و اتحاد و امیدی برای کنشگری ضد جنگ و فزون‌خواهی .

انسان جدید مجبور است با فاصله‌گرفتن از ردپای ظلمات ، قدری با جان خود خلوت کرده ، به جمع‌کردن خیمه و خرگاه خود در سرزمینی بیندیشد که طی چندصد سال دوران نوین در آن اقامت داشت و آهنگ عزیمت به مکانی دیگر با شیوه زیست و تفسیری دیگر از دستگاه حیات را زمزمه کند .

**بیاپید مصمم شویم برای سُرایش غزل ملاطفت در گوش  
دهر و کشیدن نقش بیداری عشق بر بوم حیات .**

---

<sup>۱</sup> - Albert Einstein ۱۹۸۴ , quoted from Webel , Charles & Galtung , Johan ( ۲۰۰۷ ) , p. ۳ .

زهی زیبا اندیشانی که زندگی را سفری می‌شناسد آکنده از رموز انگیزه‌بخش و شگفتی‌های حرکت‌آفرین ، و یکتاقطاری که همه مسافران زود و دیر آند . هرکس در ایستگاهی پیاده می‌شود ، اما چه مأمول و شیرین است که جملگی به آسایش یکدیگر اندیشیده ، اوقاتِ باهم‌بودن را با آرامش ، دوستی و انصاف سپری کنند . فرزنانگانِ مُلتزِم نیکو می‌دانند که نمی‌توان خاموش و خام به تماشای تخصص متخاصمان ، تنازع متنازعان و تقائلِ متقاتلان نشست و در صحنهٔ نمایش روشنگری تدبیری نیندیشید و برای توازن مصالحت و تعادل روحیهٔ ملایمت و مرافقت ، هنری به کار نگرفت . وجدان تاریخ ما را می‌خواند تا برای نوسازی چهرهٔ جهان ، دیدگان را به اندازهٔ حقوق دیگران و تکلیف و نیروی خویش گشوده ، به آمالِ منیعِ معقول و آمانیِ سَنیعِ مطلوب مردمان احترام گذاریم ، به روحیهٔ مثبت عشق و وفاق میدان داده ، بسان لشکریان جیش حقیقت و پاسبانان عیش مسالمت ، با عقلیِ فعّال و قلبیِ نوّار به میدان رأی و سعی وارد شویم و با مِنْجَلِ بُرّانِ حزم و عزم به قطعِ آعلافِ هرز عجب و نُخوت و بغض و آز کمر بندیم و به تَخْضیرِ گلستان امید و کرامت پایدار و تَسْرِیرِ ابصار بوستان ماندگار محبّت و مودّت در عالم اهتمام و رزیم .

"سقراط اظهار داشت : «اقرار می‌کنم که جز موضوع عشق ، چیزی نمی‌دانم» .<sup>۱</sup>

جهانِ بلاخیز و جنگ‌انگیز حاضر غرق در مسابقات تسلیحاتی و رقابت‌های منفور نظامی و غیرنظامی است و قلوب ناآرام و کنونی محتاج

<sup>۱</sup> - به نقل از رسالهٔ ضیافت افلاطون ، به نقل از : ( ۲۰۰۱ ) Amir , Lydia



صلح و امنیت مطلقاًند . تمام جوامع حق دارند تا از آرامش ، کرامت و همسویی پیشرو در تحولات و تعادل فزاینده در تعاملات بهره‌ور باشند و بی‌شک تأمین این حق با رشد اقتصادی و تولید ، عدالت ( مبتنی بر اخلاق، عقلانیت و قانون ) و در دسترس بودن امکانات و خدمات عام ، انقلاب رخشنده درونی و توسعه اخلاقیات و فرهنگ مشعشع زندگی جمعی ارتباطی مثبت دارد . باید آموزش‌ها و مطالعات میان‌رشته‌ای صلح را سرلوحه فعالیت‌های علمی و تحقیقاتی خود در این عرصه قرار داد و همه عناصر و ظرفیت‌های فکری و پژوهشی ، هنری ، اخلاقی و تربیتی ، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را در جهت تعقیب ، تعمیق ، تداوم و تضمین صلح جهانی بکار گرفت .

صلح پیش شرط رشد و نیکیبختی و هدف و ابزاری دست‌یافتنی است و امید که همه در هر کجا که هستند به خود آمده ، متعهدانه برای بسط امنیتی عادلانه و تداوم حسن و نظمی زوال‌ناپذیر تلاش کنند ... بشنویم از زبان کائنات که :

شما به ملکوت نور و عشق تعلق دارید که چون از چشمه



آن بنوشید، قلبتان از شرارت تهی و از حسن و احسان لبریز خواهد شد. بگذارید «صلح» سپیدسیما بر کشمکش، غرور و خودکامگی

سیه‌پیکر غالب شود. صلحی در خدمت خودسازی بشر و

همنوایی زیبایی او با سرود سرورانگیز طبیعت و سروش  
جاودان حقیقت ؛ صلحی برای شادابی ایمان و اندیشه و رونق  
بازار بهروزی و سرانجام صلحی برای طراوت و عطرافشانی  
گل‌های گلستان فضیلت و سعادتِ همگانی ، هم امروز و هم  
فردایی که باید آنها را ساخت و زنده نگاهشان داشت .

برویان در وجودت آن درختی	که بارش نبود آلا نیکبختی
به جمع مال و سرمایه چه کوشی	چرا جامه ز بی‌فکری پیوشی؟
ترا باشد ذخیره قلب‌هایی	کز آنها آذرنگی <sup>۱</sup> را زدایی
درین ره یکدل و ثابت‌قدم باش	رفیقِ دردمند پُرآلم باش
یکی دانه ز عشق و مهر امروز	شود سَرُوی به فردا بس‌دلفروز

کتاب حاضر دارای دو فصل است :

فصل ۱: این فصل ضمن اشاره به مفهوم صلح و جنگ ، ابعادی از دو مفهوم را بررسی نموده و اهمیت و جایگاه صلح جهانی را توضیح می‌دهد

فصل ۲: این فصل مشتمل بر ترجمه سخنانی‌های تنی چند از چهره‌های صلح‌جویی است که در راه خدمت به آشتی و آرمان‌های ارزشمند جهانی مبارزه کرده و کوشیده‌اند .

مجموعه پیش‌رو ابداعاً ادعا و قصد طرح تخصصی موضوعات و گفتارها را ندارد، مع‌الوصف دل‌بدان بسته که به رغم همه کاستی‌هایش، برای

<sup>۱</sup> - آذرنگ . آذرنگ : غم . اندوه و محنت

خوانندگان محترم از اقشار و گروه‌های مختلف ( فعالان اجتماعی، مریبان، ...  
( قدری مفید بوده، تا حدودی یادآور مضامین، ضرورت‌ها و ارزش‌ها و حقوق  
و تکالیف مربوط باشد، ان شاء الله .

محمد نعمانی

